

ایران می تواند قدرت بزرگ منطقه شود

## ضرورت تغییرات مهم

### سیاسی و اجتماعی در ایران

امیرعلی لاهرودی - صدر فرقه دمکرات آذربایجان

سیاست خشونت آمیز و نسنجیده دولت آمریکا در اکثر اوقات شکل بومرانگ به خود می گیرد (تیر شلیک شده بر می گردد به خودش). این سیاست در اواسط نیمه دوم قرن بیست در هندوچین آزمایش شد. نتیجه این آزمایش به بیرون راندن آمریکا و فرار حکومت دست نشانده آمریکا از ویتنام جنوبی شد. دومین آزمایش در یوگسلاوی به کار گرفته شد این بار یوگسلاوی به چند کشور تقسیم گردید. اما به باتلاق کوزوو و نگهداشتن نیروهای ناتو در بوسنی و هرزه گوین منتج شد. سومین و چهارمین آزمایش در افغانستان و عراق انجام گرفت. آمریکا و ناتو در هر دو کشور نه تنها با دشواریهای عظیم و پرداخت هزینه انسانی و مالی بلکه با بن بست کامل روبرو گردید.

خاورمیانه حساسترین منطقه برای اروپای صنعتی و آمریکا مرکز انرژی را است که 60% سوخت انرژی جهان صنعتی از این منطقه استخراج می شود امنیت و ثبات در این منطقه هم برای اروپا و هم برای آمریکا اهمیت ویژه دارد. اما باز هم سیاست نسنجیده آمریکا منشاء اصلی افزایش تنش و گسترش آن در منطقه می باشد. نخستین و عمده ترین عامل تنش در منطقه خاور میانه تشکیل دولت اسرائیل و حمایت بدون قید و شرط آمریکا از این دولت است. بیش از نیم قرن از تشکیل دولت اسرائیل می گذرد. در طول این سالها جنگ و ستیز در خاور میانه عربی و اراضی فلسطین متوقف نشده است. کارشناسان سیاست بین المللی چنین پیش بینی می کنند که این وضع نیم قرن دیگر ادامه خواهد داشت.

انقلاب بهمن 1357 یک حادثه مهم و غیرمترقبه برای شرق و غرب بود. نه در اردوگاه شرق و نه در اردوگاه غرب کسی تصور نمی کرد که دولت قدرتمند ایران مانند بادکنک با یک فشار کوچک بترکد و حکومتی سر کار آید که در وهله نخست مورد پذیرش و شاید حمایت هر دو اردوگاه قرار گیرد. اردوگاه شرق براین باور بود که حکومت ضد آمریکایی نوپای ایران اسلامی از لحاظ عینی حکومتی است مترقی و ضدامپریالیستی و در نتیجه مورد دلخواه برای شرق در لحظه کنونی است. اردوگاه غرب نیز دلخوش بود که حکومت مذهبی در ایران از لحاظ ماهوی حکومتی ضد کمونیستی و خواه ناخواه موجودیت آن به نفع غرب است. مغزهای متفکر هر دو اردوگاه در این ارزیابی مرتکب اشتباه بزرگی شدند. حکومت اسلامی ایران با اعلام شعار نه شرقی نه غربی و بکار گرفتن این شعار در عمل موجب پشیمانی هر دو اردوگاه شد. حمله به آمریکا با اخراج بیش از 50 هزار مستشار نظامی و غیرنظامی از ایران شروع شد و با تسخیر سفارت آمریکا "لانه جاسوسی" گسترش یافت. این رویارویی با آمریکا در مراحل مشخص شکل معینی بخود گرفت و اکنون کوشش ایران برای استفاده از انرژی اتمی این رویارویی را دوچندان کرده است.

دستگیری رهبران و اعضای سازمانهای چپ بویژه حزب توده ایران نشان داد که حکومت جمهوری اسلامی با اردوگاه شرق نیز در حال ستیز است. برخورد هر دو اردوگاه نسبت به جمهوری اسلامی ایران متفاوت بود. شرق آنچه در ایران می گذشت با سکوت از روی آن می گذشت. غرب بویژه آمریکا در مورد هر عمل خرد و کلان ضد آمریکایی واکنش شدید از خود نشان می داد.

جنگ هشت ساله ایران و عراق فرصتی بود برای اعمال فشار به حکومت اسلامی ایران. حکومت صدام حسین مورد حمایت هر دو اردوگاه قرار داشت. بویژه آمریکا از حکومت

صدام حسین پشتیبانی می کرد تا بدینوسیله فشار خود را به ایران افزایش دهد. جنگ ایران و عراق بعد از 8 سال بنفع بغداد پایان یافت. اما سبک سری و خود بزرگ بینی رهبر عراق موجب نابودی دولت عراق شد. سازمان نظامی ناتو تحت رهبری آمریکا با جلب کشورهای عربی جنگ گسترده ای را علیه عراق سازماندهی کردند تا کویت تحت اشغال بغداد را آزاد کنند و کردند. کشور عراق در محاصره شدید نظامی و اقتصادی قرار گرفت. اقتصاد نسبتاً رشد یافته عراق نابود گردید. مردم عراق دچار فقر و مسکنت شدند. دولت آمریکا بعد از 10 سال محاصره عراق حادثه 11 سپتامبر در نیویورک را دستاویز قرار داد اول به افغانستان و دوم به عراق حمله ور شد. از آن تاریخ به بعد نه تنها اعتبار آمریکا در جلوی چشم جهانیان از بین رفت بلکه کین و نفرت مردم جهان نسبت به آمریکا افزایش یافت. در عین حال تجاوز به افغانستان و عراق نشان داد که آمریکا آنچنان قدر قدرتی نیست که عملیات موفقیت آمیزی را به مرحله اجرا بگذارد.

بعبارت دیگر آمریکا نتوانست تاکتیک های عملیات نظامی اسکندر مقدونی را تکرار کند. نتیجه عملیات نظامی ناتو و آمریکا در خاور میانه مانند بومرنگ بخود آنها برگشت. حالا این پرسش مطرح می شود که در این جنگ کدام دولت برنده و کدام دولت بازنده است. طبیعی است که در این جنگ اولین بازنده رهبر خودکامه عراق می باشد. آمریکا که آغازگر این جنگ بود دومین بازنده خود اوست. ایران بعنوان نیروی ثالث گرچه تماشاگر این جنگ و ستیز بود ولی عملاً در این تئاتر جنگ یگانه بازیگر برنده است.

خاور میانه در طول تاریخ قرن معاصر زیر سلطه امپراطوریهای شرق و غرب بود. بعد از جنگ جهانی اول این منطقه تحت نفوذ انگلیس و فرانسه و بعد از جنگ دوم جهانی تحت سلطه انگلیس و فرانسه و بعلاوه آمریکا قرار گرفت. آمریکا از حکومت شاه در ایران پشتیبانی می نمود. انگلیس و فرانسه در جهان عرب نفوذ خود را حفظ نمودند. مصر بعنوان کشور بزرگ در شمال آفریقا با کودتای نظامی جمال عبدالناصر از زیر نفوذ انگلیس و فرانسه خارج شد و سیاست تکیه به شرق را در پیش گرفت. اما طولی نکشید که آمریکا بوسیله اسرائیل مصر و سوریه و اردن را بزانو در آورد و از این طریق این منطقه تحت نفوذ آمریکا قرار گرفت. تنها کشوری که در خاور میانه عربی با حمایت اردوگاه شرق به قدرت بزرگ منطقه تبدیل شده بود عراق بود. عراق با استفاده از درآمد ارزی نفت هم اقتصاد خود را سر و سامان داد و هم ارتش خود را با استفاده از ساز و برگ نظامی شوروی تقویت نمود. در این دوران عراق به آن حد قدرتمند شده بود که شاه ایران مجبور شد در ترک مناقشه با دولت عراق به توافق برسد و عراق نیز با استفاده از این وضع توازن در خاور میانه را برقرار کند و برقرار کرد. ایران شاهنشاهی بعد از آن نخواست با کشورهای عربی گرفتار درگیری نظامی شود.

حمله جرج بوش پدر به عراق (سال 1991) این توازن را به هم زد. حضور نظامی آمریکا در این منطقه بویژه در منطقه خلیج فارس این توازن مجدداً برقرار شد. در دومین جنگ بوش پسر علیه عراق این توازن به هم خورد و وضعی بوجود آمد که آمریکا مجبور است در زمانی نه چندان دور نیروهای خود را از عراق خارج نماید و یک خلاء بزرگ در منطقه بوجود آید که تنها ایران بتواند آنرا پر کند.

اکنون ایران به یک کشور قدرتمند نظامی تبدیل می شود و احتمال زیاد وجود دارد که در آینده نزدیک مانند کره شمالی به سلاح اتمی نیز دست یابد و در منطقه قدرت نمایی کند. ایران بعد از قادسیه اولین بار است که در منطقه به قدرت بی همتا مبدل می شود. آیا ایران قدرتمند در منطقه می تواند عامل ثبات باشد؟

دولت ایران در این مرحله حساس اگر در سیاست داخلی خود **تغییرات عمیق اجتماعی و سیاسی** بوجود بیاورد طبیعی است که سیاست خارجی او نیز احترام به حقوق ملتها و دولتهای

همسایه خواهد بود. در این صورت صلح و آرامش در منطقه برقرار خواهد شد. هر ایرانی  
آزادخواه با این آرزو به آینده می نگرد.  
امیرعلی لاهرودی، 2006/12/18

راه توده 117 25.12.2006

راه توده